

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

بررسی کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی هخامنشی از نظر شکل، جایگاه، تزئینات و حوزه پراکنش*

علی اصغر سلحشور (نویسنده مسئول)^۱

سامر نظری^۲

مرضیه شعرباف^۳

چکیده

هنر هخامنشی، هنری ترکیبی است که در نهایت ظرافت و زیبایی جلوه‌گری می‌کند. یکی از ظریف‌ترین مصنوعات هنرمندان قلمرو هخامنشی، ظروف فلزی به‌ویژه کاسه‌ها هستند. کاسه‌های هخامنشی یکی از مدارک مهمی است که از مناطق مختلف شاهنشاهی به‌دست آمده است. برخی از این کاسه‌ها دارای کتیبه سلطنتی می‌باشند که حاکی از اهمیت این‌گونه از ظروف در دربار هخامنشی است. این کاسه‌ها اطلاعات ارزشمندی در زمینه فلزکاری، شیوه تزئینات، تکنیک ساخت، ارتباطات تجاری، اجتماعی، اقتصادی و هنری در اختیار افراد صاحب فن قرار می‌دهد. پژوهش پیش رو سعی بر آن دارد با نگاهی توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل نقوش، تزئینات و شکل کاسه‌ها، اهمیت و جایگاه کاسه‌های فلزی را در جامعه هخامنشی مورد مطالعه قرار دهد؛ همچنین تلاش می‌شود بر اساس مطالعات تطبیقی میان کاسه‌ها و پیاله‌ها و بررسی حوزه پراکنش آنها، منشأ اقتباس شکلی و تزئینی در ساخت کاسه‌های فلزی هخامنشی مشخص و تحلیل گردد. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از گستردگی کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی هخامنشی به‌ویژه نوع زورقی آن، در سرتاسر شاهنشاهی است. وجود آرایه‌های گیاهی هم‌چون گل نیلوفر، روزیت و تزئینات بادامی شکلی که در سایر هنرهای هخامنشی مانند نقوش برجسته مشاهده می‌شود، بر کاسه‌ها نیز شناسایی شد. به علاوه تا مدت‌ها پس از سقوط هخامنشیان، سنت ساخت کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی به سبک آن‌ها در مناطق مختلف رواج داشت.

واژه‌های کلیدی: هخامنشیان، فلزگری، کاسه زورقی، حوزه پراکنش.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

aa.salahshour@ut.ac.ir

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۶

نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

۱. مقدمه

با شکل‌گیری شاهنشاهی هخامنشی، آنان وارث تمدن‌های مختلف و ملل پیشرفته‌ای مانند ایلام، آشور، بابل، مصر، لیدی و ... شدند که هر کدام در هنر و معماری به درجه بالایی از توسعه دست‌یافته بودند. هخامنشیان ضمن استفاده از دستاوردهای هنری این اقوام و ادغام آن با هنر پارسی، سبک خاص هخامنشیان را به‌وجود آوردند که هنری ترکیبی و نه تقلیدی به حساب می‌آید. یکی از جنبه‌های درخشان هنر این دوره، ساخت کاسه‌ها و پیاله‌های زرین و نقره‌ای بود که از سراسر شاهنشاهی هخامنشی به دست آمده‌اند. این مسئله بیانگر نوعی یکسان‌سازی و استانداردسازی در تولید و صادرات این گونه از کاسه‌ها به حساب می‌آید. مدارک باستان‌شناختی مانند مهرها، ریتون‌ها، نقوش برجسته، نقاشی و ... که بر روی آنها تصاویری از کاسه‌ها و پیاله‌های هخامنشی به‌جای مانده، علاوه بر مشخص کردن جایگاه ارزشمند کاسه‌ها، برنامه‌ریزی و هدفمندی هخامنشیان در ساخت این ظروف در کارگاه‌های مختلف و صدور آن به مناطق مختلف زیر نفوذشان را به خوبی نشان می‌دهد.

۱-۱. بیان مسئله

یکی از دارایی‌های ارزشمند شاهان هخامنشی، کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی به‌ویژه از نوع نقره‌ای و طلائی بود. این کاسه‌ها هم دارای ارزش پولی بوده و هم نشانگر جایگاه اجتماعی مالک آن بوده‌اند. کاسه‌های فلزی هخامنشی (یا منتسب به هخامنشی) از مناطق و گنجینه‌های مختلفی به دست آمده‌اند که با توجه به کتیبه، سبک، تکنیک ساخت، شکل و تزئینات به این دوره منسوب شده‌اند. البته برخی از آنها مربوط به پس از دوره هخامنشی می‌شوند اما کاملاً با نمونه‌های هخامنشی مطابق هستند. کاسه‌های هخامنشی ویژگی‌های مشخصی دارند که آن را از دیگر کاسه‌ها متمایز می‌سازد؛ مثلاً تزئینات گل نیلوفر، نقوش نخل و از همه مهم‌تر برآمدگی‌های بادامی یا اشکی شکل، حتی مدت‌ها پس از سقوط شاهنشاهی هخامنشی مورد تقلید هنرمندان سایر کشورها و تمدن‌ها قرار گرفت. کاسه‌های فلزی هخامنشی مانند دیگر ظروف این دوره، سلیقه‌دربار به‌ویژه شخص شاه را انعکاس می‌داد. سبک بین‌المللی هخامنشی با استانداردسازی ظروف فلزی (از جمله بعضی کاسه‌ها)، نوعی نماد و شاخص هنر هخامنشی را در سرزمین‌های زیر نفوذ خود تبلیغ می‌کرد و گسترش می‌داد.

۱-۲. پیشینه تحقیق

در مورد ظروف فلزی هخامنشی و هنر فلزکاری این دوران پژوهش‌های متعددی توسط محققان مختلف صورت گرفته است.

Curtis et al., 1995; Dusinberre, 2003 & 1999; Gunter & Root, 1998; Treister, 2012 & 2010 & 2009 & 2007; Simpson, 2005 & 2010.

آنچه بیش از همه در مطالعات آنها دیده می‌شود، بررسی ظروف هخامنشی به صورت کلی است؛ بنابراین با توجه به کمبود مدارک باستان‌شناسی و از سوی دیگر به دلیل اهمیت و جایگاه کاسه‌ها و پیاله‌ها در بازسازی بخشی از هنر دوران هخامنشی، سعی بر آن است که در پژوهش پیش رو، با تفصیل بیشتری به بررسی این داده‌های باستانی پرداخته شود.

۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

برخلاف گسترده‌گی مکانی و زمانی امپراتوری هخامنشی، تاکنون مدارک و شواهد باستان‌شناسی متنوع و قابل توجهی از این دوره به دست نیامده است. یکی از معدود داده‌هایی که از سراسر قلمرو هخامنشیان از هند در شرق تا اروپا در غرب کم و بیش به دست آمده، کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی است که برخی از آنها دارای کتیبه شاهی هستند. مطالعه دقیق، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی کاسه‌ها، به تشخیص حوزه‌های پراکندگی، شناسایی کارگاه‌های ساخت و ارتباطات هنری و تجاری موجود کمک می‌کند و از این رهگذر می‌توان گوشه‌ای از هنر، اجتماع، اقتصاد و سیاست دوره هخامنشی را روشن نمود.

۲. بحث

۲-۱. کاسه‌ها و پیاله‌های هخامنشی

کاسه‌های هخامنشی ظروف بدون دسته‌ای هستند که احتمالاً برای نوشیدن شراب به کار می‌رفته که در سراسر شاهنشاهی هخامنشی و خارج از آن به دست آمده‌اند. این ظروف از جنس سفال، شیشه‌های معمولاً شفاف و فلزاً ساخته شده‌اند. به نظر می‌رسد انواع شیشه‌ای و سفالی این ظروف، تقلیدی از نمونه‌های فلزی آن باشد (Dusinberre, 1999: 76). «در این دوره کاسه و پیاله مخصوص نوشیدن شراب به باتوگارا^۲ معروف بود. کلمه باتو به معنای شراب و گارا به معنای ظرف نوشیدن است» (Gunter & Root, 1998: 23; Allen, 2005: 88). شکل پیاله‌ها به صورت کاسه‌های کم‌عمق و بدون دسته به همراه یک برآمدگی

مرکزی (نافه) است و به دو صورت نافه‌دار و بدون نافه وجود دارند. نافه در مرکز برخی از پیاله‌ها علاوه بر نقش تزئینی، نگه‌داشتن پیاله را در دست نیز آسان می‌کرد؛ به طوری که می‌توان انگشت را در این نافه جای داد تا استقرار پیاله در دست مطمئن‌تر شود (کخ، ۱۳۸۷: ۲۰۳). «استفاده از این نوع کاسه‌ها در غرب آسیا و مدیترانه شرقی در طول هزاره اول ق.م رایج بوده‌است» (گانترو و جت، ۱۳۸۳: ۸۷). منشأ هر دو نمونه کاسه کم‌عمق (پیاله) و کاسه گود بدون دسته، در شرق باستان است. در دوره هخامنشی کاسه‌ها و پیاله‌ها به شیوه استادانای ساخته می‌شدند. اکثر اشیاء و ظروف فلزی به شیوه چکش کاری، برجسته کاری یا چکش یا چکش کاری از داخل ساخته می‌شدند (Gunter & Root, 1998: 3,25).

۲-۲. اهمیت کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی و کاربرد اجتماعی آن‌ها در جامعه هخامنشی

مدارک متعددی بیانگر این مسئله است که ظروف طلائی و نقره‌ای هم‌چون دیگر اشیاء قیمتی، ارزش و اعتباری همانند شمش طلا یا نقره داشته‌اند. این ظروف احتمالاً با اوزان معینی از نقره ساخته می‌شدند که یا در خزانه نگه‌داری می‌شده و یا در تبادلات تجاری به عنوان پول رایج مورد استفاده بوده‌اند. در شرق باستان استفاده از فلزات گرانبها در حکم پول رایج، سنتی طولانی و قدیمی بوده و تا زمان ابداع سکه این سنت هم‌چنان پابرجا بوده‌است. (Curtis & Cowell, 1995: 151)

نوشیدن از ظروف فلزی و شیشه‌ای گران‌قیمت در حین سرگرمی‌های رسمی، بخشی از تجربه دیپلماتیک هیئت‌های خارجی در درون قلمرو شاهنشاهی هخامنشی به حساب می‌آمد. در واقع تشریفات یک شام، لازمه اساسی برای موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی مهم بوده و این فرهنگ تجملاتی، حاکم را به عنوان کسی که از همه ثروتمندتر و دارای خصلت مهمان‌پذیری است، نشان می‌داده‌است (Allen, 2005: 88). «طبق منابع مکتوب یونانی، شراب مترادف با بزم و سور برای پارسیان بود و هنگامی که شاه بزرگ می‌خواست به دیگری بی‌احترامی و توهین کند، شراب در ظروف سفالی ریخته می‌شد» (Simpson, 2005: 104)؛ بنابراین کاسه‌های فلزی، متعلق به خزانه سلطنتی بوده و بخشی از ثروت و دارایی هر ایالت به حساب می‌آمده‌است؛ هم‌چنین بخشی از اشیایی بوده که بر روی میز سلطنتی قرار داشته‌است (Moorey, 1974: 184). این کاسه‌ها به دو منظور استفاده می‌شدند: ۱- در میهمانی‌های رسمی ۲- در جهت ارزش پولی و مالی. این ظروف هدایای مناسبی برای شاه بودند به طوری که نمونه‌هایی از کاسه‌های زورقی و گرانبه‌های فلزی را از نقوش برجسته آپادانای تخت جمشید در

بین هدیه آورندگان^۳ می توان دید. از طرفی شاه نیز شخصاً این کاسه‌ها را به عنوان هدیه می‌بخشید که بیانگر اهمیت این نوع از ظروف است^۴ (Curtis & Cowell, 1968: 125; Nylander, 1995: 151). در میان ظروفی که هیئت‌های شاهنشاهی به عنوان هدیه برای شاه هخامنشی می‌آوردند، هیچ پیاله‌ای دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد پیاله به عنوان هدیه، فقط حق انحصاری پادشاه بوده و او آن را به افرادی که دارای امتیازات ویژه بودند، اهدا می‌کرد که باعث ارتباطات قوی و توأم با وفاداری میان پادشاه هخامنشی و آن‌ها می‌شد. پیاله با کتیبه سلطنتی بیانگر دارایی غیر قابل انتقال خود پادشاه به حساب می‌آمد (Gunter & Root, 1998: 28).

۲-۳. تصویرگری کاسه و پیاله نوشیدن با استناد به مدارک باستان‌شناختی

کاسه‌های هخامنشی از چنان اهمیتی در میان شاه و درباریان برخوردار بود که به جز ساخت کاسه‌ها در کارگاه‌های شاهنشاهی، تصویرگری آن‌ها بر روی استل، نقوش برجسته، نقاشی دیواری، ریتون، گلدان، مهر و غیره نیز به وضوح دیده می‌شود:

۲-۳-۱. استل سقاره (Saqqara): این استل مستطیل‌شکل از سقاره در مصر به دست آمد. بالای آن به صورت هلالی بوده و نماد قرص بال‌دار بر آن نقش شده است. بر کناره‌های استل، خط تصویری هیروگلیف و در قسمت مرکزی نیز خط دموتیک دیده می‌شود. صحنه بالایی استل مربوط به مراسمی آیینی و تدفینی است. در صحنه پایینی نیز دو نفر در مقابل میز هدایا ایستاده و در مقابل آن‌ها یک صاحب منصب عالی‌رتبه با ریش بلند بر تختی نشسته است. لباس او نشان می‌دهد که اشراف‌زاده‌ای پارسی است که در دست چپش گل نیلوفری، مانند آنچه در نقوش تخت جمشید در دستان شاه، ولیعهد و برخی درباریان است، قرار دارد. در دست راست این مرد کاسه‌ای کم‌عمق و ساده به تصویر کشیده شده است (تصویر ۱) (Mathieson et al., 1995: 26-29). در ترجمه بخشی از استل به نام دارنده آن یعنی جدهربس (Djedherbes) فرزند آرتام اشاره شده که نامی ایرانی است (Ibid, 35-37).

۲-۳-۲. نقوش برجسته تخت جمشید: در این نقوش، در دست برخی از نمایندگان سرزمین‌های شاهنشاهی هخامنشی ظروفی دیده می‌شود که به عنوان هدیه یا خراج به خزانه شاهی اعطا می‌گردد. در این میان کاسه‌های بدون تزئین و نیم‌دایره‌ای شکل و برخی با یک شیار که نشان از خم‌شدگی لبه دارد، از آن جمله‌اند. بر بسیاری از کاسه‌ها درپوشی قایقی شکل از محتوای درون ظرف محافظت می‌کند.

۱۲ گروه از ۲۳ گروه نمایندگی، هدایایی مشتمل بر ظروف با خود همراه دارند که بدون شک از فلزات گران‌بها ساخته شده بودند. نکته جالب توجه در مورد ظروف نقش شده بر پلکان‌های شمالی و شرقی آپادانا، عدم تنوع آنهاست. به جز دو نوع ظرف غیر معمول^۵، بقیه ظروف شامل کاسه یا جام و پیاله هستند. کاسه‌های موجود در دستان بابل‌ها و کیلیکیه‌ای‌ها (۴) دارای لبه‌ای پخ‌دار و برگشته است که در بالای یک برآمدگی قرار دارند و به کاسه‌هایی که ایونیان حمل می‌کنند، شباهت زیادی دارند. استادانه‌ترین نوع کاسه متعلق به هیئت بلخی‌ها (۴) است که به صورت گردن‌دار و دارای تزیینات خیاره‌ای و پخ‌دار می‌باشد (Schmidt, 1957: 94, 95) (تصویر ۲).

۲-۳-۳. نقاشی دیواری معبد المالی (Elmali) در لیکیه: مدارک زیادی از سبک زندگی اشراف‌زادگان لیکیه‌ای همزمان با دوره هخامنشی وجود دارد. در این میان می‌توان به نقاشی قره‌بورون (Karaburun) در نزدیکی آنتالیا در ترکیه، منسوب به ۴۷۰ ق.م، اشاره کرد (Miller, 2008: 1) که نشان‌دهنده صاحب منصبی پارسی است. این مرد جواهرآلات پارسی مانند دستبندهایی با سر شیر پارسی به دست دارد و بر روی تختی به حالت لمیده قرار گرفته است. خدمتکاران او نیز با لباس پارسی هستند. سبک کار نقاشی به گونه‌ای است که آن‌چنان متأثر از هنر یونانی نبوده و در کوچک‌ترین نشانه‌ای که آن را به سبک هنری و بومی آناتولی منتسب سازد نیز در آن دیده نمی‌شود. نکته جالب توجه این نقاشی، حالت متعادل نگه داشتن کاسه توسط فرد است (تصویر ۳) (Curtis, 2005: 46; Boardman, 2000: 200).

۲-۳-۴. ریتون مکشوفه از اربونی (Erebuni) ارمنستان: پیکره‌های منقوش بر این ریتون نقره‌ای زران‌دودشده، تا اندازه‌ای متأثر از سبک کلاسیک هنر یونان است و می‌توان آن را مشابه پیکره‌های حک شده بر روی مهرهای موسوم به پارسی-یونانی دانست. نقوش ریتون نشان‌دهنده یک نوازنده زن و زنی دیگر است که کاسه‌ای را با سر انگشتان خود گرفته و به حضور اشراف‌زاده نشسته بر تختی، می‌برد (تصویر ۴). در واقع این نقوش، برگردانی دقیق از پیکره‌هایی با لباس پارسی است که بر مهرها نقش شده‌اند (Boardman, 2000: 187). طبق نظر برخی محققان، نگه داشتن کاسه بر روی سه انگشت در این دوران، به معنای وابستگی و ارتباط فرد با حاکم پارسی بوده است (Treister, 2012: 120).

۲-۳-۵. گلدان داریوش: این گلدان نشانگر ارزش پولی ظروف قیمتی در شاهنشاهی هخامنشی است. روی آن، مردی با لباس پارسی دیده می‌شود که

گنجینه‌ای شامل سه کاسه تودرتو را به طرف مرد نشسته بر تخت می‌آورد. کل صحنه بیانگر آن است که این ظروف در راستای مالیات و خراج بوده‌است (تصویر ۵) (Gunter & Root, 1998: 9, 10).

۲-۳-۶. **مهرها:** از دوره آشوری، شواهد بسیاری شامل صحنه نمادین نگه‌داشتن کاسه شراب وجود دارد؛ در صورتی که در دوره هخامنشی تقریباً با کمبود مدارک باستان‌شناسانه روبرو هستیم. از معدود مدارک موجود در این زمینه، مهرهای هخامنشی هستند؛ از جمله مهری استوانه‌ای که مردی پارسی را بارزای درباری به تصویر می‌کشد و در یک دست گل و در دست دیگر خود کاسه عمیقی را نگه‌داشته‌است (تصویر ۶) (Miller, 2008: 5, 6).

۲-۴. **گونه‌ها و تزئینات به کار رفته در کاسه‌های فلزی هخامنشی گونه‌ها**

کاسه‌ها و پیاله‌ها از رایج‌ترین ظروف فلزی در سراسر شاهنشاهی هخامنشی بوده که تاکنون تعداد بسیاری از آنها به دست آمده‌است (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۸۳۱)، اما تعیین تقدّم و تأخر تاریخی آنها همواره با مشکلاتی همراه بوده‌است؛ به نظر می‌رسد کاسه‌های قدیمی‌تر، گردتر و تقریباً تمام سطح آنها از خیاره‌های برجسته برگی شکل و یا برآمدگی‌های بیضوی پوشیده شده‌است؛ مانند کاسه طلایی داریوش اول که ساختار و ترکیب ساده‌ای دارد^۶ (کالیکان، ۱۳۸۴: ۱۲۷؛ Wilkinson, 1955: 221-224) (تصویر ۷). کاسه موسوم به زورقی (Carinated) یکی از شاخص‌ترین گونه‌ها است که ابتدا در دربار آشور نو کاربرد داشت و در دوره هخامنشی نیز به صورت فلزی، شیشه‌ای و سفالی ساخته شد. این شکل از کاسه به عنوان بخش مشخصی از فرهنگ درباری هخامنشی از قرن ششم ق.م مورد استفاده قرار گرفت. کاسه‌های زورقی با نقش گل نیلوفر در دوره هخامنشی، متأثر از نمونه‌های آشور نو هستند (Allen, 2005: 151; Curtis & Cowell, 1995: 87, 91). کاسه‌های زورقی بسیاری از نوع طلایی، برنزی و نقره‌ای از سراسر شاهنشاهی هخامنشی به دست آمده که نشان‌دهنده گسترده‌گی و پراکندگی آن در مناطق مختلف است. یکی از شاخص‌ترین آنها، کاسه طلایی خشایارشا است. این کاسه دارای تزئینات برجسته خیاره‌ای شکل، آرایه‌های گیاهی و کتیبه‌ای در اطراف گردن ظرف با نام خشایارشا است که با خط میخی به سه زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی حک شده است (تصویر ۸).

۲-۴-۱. **تزئینات:** «اکثر کاسه‌های پارسی، بدون تزئین و بعضی نیز به طرز ماهرانه و ظریفی تزئین شده‌اند. این تزئینات شامل پیکره‌های پارسی، نقوش حیوانات و

گیاهان بوده و به صورت طلا یا نقره، زران‌دود شده که احتمالاً تکنیکی با منشأ ایرانی است» (Boardman, 2000: 189). پیاله‌ها و کاسه‌های مورد علاقه پارسیان به صورت برآمده و به شکل خیاره‌ای و برآمدگی‌های اشکی شکل است. کاسه و پیاله هخامنشی با این ویژگی‌ها در سراسر شرق نزدیک باستان منتشر و پراکنده گردید؛ هرچند اکثر آنها ظروفي کم‌عمق و بدون درپوش هستند، ولی برآمدگی‌ها و اشکال اشکی شکل روی آنها به ظرافت کشیده شده‌اند و معمولاً در دو اندازه مختلف به کار می‌روند: برآمدگی‌های بزرگتر که نوک باریکی دارند و برآمدگی‌های کوچکتری که بین آنها قرار می‌گیرند (Laing, 1995: 16).

۲-۵. حوزه پراکندگی کاسه‌ها و پیاله‌های هخامنشی (یا منتسب به هخامنشی) و شباهت‌های شکلی و تزئیناتی (مقایسه و تحلیل داده‌ها)

۲-۵-۱. حوزه دریای سیاه: در اطراف دره کوبان^۷ از تپه‌های سُرخا (Solokha) و ژیرنیج (Zhyrnij) تعدادی کاسه فلزی به دست آمده است (تصویر ۹). این کاسه‌ها منتسب به گروهی از کاسه‌های گود هستند که ابتدا در مصر، ایران، سوریه و قبرس ساخته می‌شدند. بر اساس ساختار، ترکیب و تناسب موجود در آنها، کاسه به دست آمده از سلخا به اوایل نیمه اول قرن ۵ ق.م منسوب شده است. کاسه به دست آمده از تپه ژیرنیج نیز قابل قیاس با کاسه‌های نقره‌ای کشف شده از رادوون (Raduvne) در بلغارستان و کاسه برنزی کشف شده از قبرستان لیکیان^۸ مربوط به ربع اول قرن ۴ ق.م می‌باشد (تصویر ۱۰). هم‌چنین از نظر شکل، تناسب و ساختار، قابل قیاس با کاسه‌های نقره‌ای ارزینجان در ترکیه بوده، هرچند این گروه اخیر بزرگتر هستند (Treister, 2010: 230, 231). نمونه بعدی پیاله نقره‌ای مقبره شماره ۳ تومولوس مونت زلنسکایا (Mount Zelenskaja) در جزیره تامان می‌باشد که تزئیناتی شامل گلبرگ‌های فراوان دارد؛ مورد اخیر هم‌زمان با مقبره B در درونی (Derveni) مقدونیه و مقبره آکروپولیس شوش است. همه این پیاله‌ها و کاسه‌ها با برگ‌های تیز تزئین شده‌اند و اغلب با عنوان پیاله برگی شکل خوانده می‌شوند. این کاسه‌ها متأثر از کاسه خیاره‌ای شکل هخامنشی در قرن ۵ ق.م است که در اوایل قرن ۴ ق.م در یونان شناخته شده بود (Ibid, 231).

۲-۵-۲. روسیه: از تپه شماره ۱ محوطه پروخوروکا (Prokhorovka) دو پیاله به دست آمده که اولی احتمالاً مربوط به نیمه دوم قرن ۴ ق.م (تصویر ۱۱: ۱) و پیاله دوم نیز متعلق به نیمه دوم قرن ۵ ق.م است (تصویر ۱۱: ۲). پیاله‌های پروخوروکا از نظر شکل بیش‌ترین شباهت را به پیاله‌های کتیبه‌دار منسوب به

اردشیر اول (۴۶۵ - ۴۲۵ ق.م) دارند. پیاله اول احتمالاً در زمان اسکندر ساخته شده است. ویژگی های خاص و نوع تزئینات آن نشانگر تأثیر این پیاله از هنر فلزکاری هخامنشی بوده که در اوایل دوره هلنیستی ساخته شده است. اما پیاله دوم به عنوان سبک بین المللی هخامنشی شناخته می شود. این پیاله از نظر مشخصه هایی مانند برآمدگی مرکزی، تزئینات بادامی شکل پیرامونی و نیز تزئینات پایه پیاله متشکل از گلبرگ های روزت به صورت انتهای تیز و نوک دار، با پیاله های اردشیر اول (تصویر ۱۲)، پیاله ارزینجان (تصویر ۱۳: ۱)، پیاله برنزی دو هویوک (Deve Hüyük) (تصویر ۱۳: ۲)، پیاله نقره ای به دست آمده از سواحل جنوبی دریای سیاه، پیاله کوچک نقره ای از گرادنیتسا (Gradnitsa) در بلغارستان و پیاله نقره ای مجموعه جیحون قابل مقایسه است. هم چنین از نظر شکل و تزئینات مشابه با پیاله نقره ای گنجینه بابل است که تنها قطعاتی از آن به دست آمده و متعلق به اوایل قرن ۴ ق.م می شود (Treister, 2010: 242-245; Treister, 2009: 97, 105).

۳-۵-۲. حوزه قفقاز: طبق شواهد باستان شناختی قبر کاراباخ ایروان (Karabakh Erivan) در ارمنستان به همراه اشیای درون آن به دوره هخامنشی منسوب می شود. از جمله اشیای آن می توان به آویزه های برنزی، سرنیزه آهنی و کاسه برنزی زورقی شکل که نوع شاخص کاسه دوره هخامنشی است، اشاره کرد (Razmjou, 2005: 180) (تصویر ۱۴).

از دیگر یافته های مهم در این حوزه پیاله های نقره ای گنجینه های آخالگوری (Akhalgori) و کازبگی (Kazbegi) در گرجستان هستند. در سال ۱۹۰۸ با حفاری قبری متعلق به یک زن، اشیای بی شماری تحت عنوان گنجینه آخالگوری به دست آمد که اکثراً در کارگاه های محلی ساخته شده بودند، اما بعضی اشیای نشانگر تأثیر هنر یونان و تعدادی نیز تأثیر گرفته از هنر شرقی بودند؛ از آن جمله می توان به چهار پیاله (تصویر ۱۵) و جامی نقره ای اشاره داشت که در کارگاه های شاهنشاهی هخامنشی ساخته شده بودند. پیاله ها با برآمدگی های بادامی شکل و گلبرگ های گل نیلوفر تزئین شده بودند.

از میان دو یست شیء گنجینه موسوم به کازبگی نیز پیاله ای نقره ای شناسایی شد که دارای قبه های بادامی شکل، گل لوتوس، برگ نخل، سرهای قو به شیوه استیلیزه و نیز کتیبه ای به خط آرامی بر لبه پیاله بود. این نقوش حاکی از سبک هنری هخامنشیان است (تصویر ۱۶). در واقع آنچه امروز با نام گنجینه های آخالگوری و کازبگی شناخته شده، شامل ظروف فلزی و جواهر آلات هخامنشی

است. اشیای این گنجینه‌ها یا وارداتی هستند یا صنعتگران محلی آنها را تولید کرده و یا ترکیبی از این دو می‌باشد (Knauss, 2006: 81).

محوطه بعدی قبرستان آتسکوری (Atskuri) در جنوب گرجستان است که از آن اشیاء و ظروفی مربوط به قرون ۶ تا ۲ ق.م به دست آمده است. این یافته‌ها تأثیر هنر یونانی و سنت هنری شرقی، به ویژه تقلید از اشیای فرهنگ هخامنشی را آشکار می‌سازد؛ از جمله کاسه ناهه‌دار برنزی (تصویر ۱۷) با تزئینات بادامی شکل که از نظر شکل با کاسه شیشه‌ای تسینسکارو (Tsintskaro) قابل قیاس است و طبق آخرین گاهنگاری‌ها تاریخ آن مربوط به قرون ۴-۳ ق.م می‌شود. قبور قبرستان آتسکوری به ویژه قبر مذکور به خوبی ویژگی‌های هنری تأثیر پذیرفته از جهان هخامنشی را نشان می‌دهد (Licheli, 2007: 55-63).

۲-۵-۴. آسیای صغیر و تراکیه: در قرن ششم ق.م قبل از استیلای پارسیان در سارد ظروفی موسوم به اسکایفوی (skyphoi) رایج بود. این شکل از ظروف مانند کاسه‌های هخامنشی بسیار سخت و دارای کیفیت بالایی بودند، اما تزئینات چندانی روی آن‌ها دیده نمی‌شد. با تسلط پارس‌ها، کاسه شراب ایرانی تا حد زیادی جایگزین جام شراب لیدیایی در سارد شد. این مسئله بیانگر آن است که ساردیان از برخی رسوم مهم پارسی الهام گرفته بودند. کاسه‌های هخامنشی در سارد نشان‌دهنده اشتیاقی است که ساکنان شهرهای لیدی در پذیرفتن فرهنگ تلفیقی هخامنشی از خود نشان دادند. این تطبیق فرهنگی صرفاً پذیرش ویژگی‌های فرهنگ قبل از خود نیست، بلکه به معنی ایجاد فرهنگ جدید نیز می‌باشد (Dusinberre, 2003: 191-195).

آثار گنجینه لیدی در ایکیزتپه (IkizTepe) شامل نمونه‌های بسیاری از کاسه‌های فلزی است. یکی از نمونه‌های جالب توجه، کاسه‌ای کم عمق با لبه برگشته از جنس نقره است که با قطعات برجسته طلا، اندود شده است (تصویر ۱۸). ناهه‌ای کم عمق در قسمت تحتانی مرکز کاسه مشاهده می‌شود و ده برآمدگی بادامی شکل بر دیواره ظرف ایجاد شده‌اند. برجستگی‌ها به صورت متناوب بین ده پیکره نیزه‌دار پارسی با تاجی بر سر که به سمت چپ می‌روند، نشان داده شده‌اند. پیکره‌ها، پاهایشان را بر حلقه‌ای مزین به دو سر عقاب گذاشته و در پشت خود نیز تیردانی را حمل می‌کنند. این حالت پیکره‌ها در مهرهای پارسیان دیده می‌شود. چنین پیکره‌هایی با عنوان شاه پارس یا قهرمان پارسیان شناخته شده است. چین‌های عمودی لباس شاه پارسی، مشخصه هنری اوایل هخامنشیان و قرن ۶ ق.م است. یکی دیگر از ظروف به دست آمده، کاسه‌ای با برآمدگی‌هایی به شکل

گلبرگ‌های نیلوفر است (تصویر ۱۹) که یادآور کاسه خشایارشا (تصویر ۸) و پیاله اردشیر (تصویر ۱۲) می‌باشد. بسیاری از کاسه‌های ایکیز تپه به صورت نمادین به مجلس بزم و ضیافت اشاره داشته و در کنار متوفی برای زندگی پس از مرگ قرارداد می‌شد. این کاسه‌های گود به شکل راه‌راه عمودی یا افقی، بادامی‌شکل و گاهی با یک نافه تزئین شده‌اند. در برخی موارد زیر نافه‌ها علامات و حکاکی‌هایی وجود دارد که حروف یا نوشته‌هایی به صورت رمزی است و شاید مخفف نام اعطاکننده ظرف یا صنعت‌گر آن باشد (Özgen, 2010: 309 - 316).

از تپه کاراکالی (Karaçalli) در دشت پامفیلیا نیز کاسه‌های برنزی به دست آمده که بعضی از آن‌ها به ربع اول قرن ۴ ق.م منسوب شده‌اند. همه کاسه‌ها دارای لبه برگشته، نافه نسبتاً کوتاه و کم‌حجم و شیاری در محل اتصال لبه با شانه ظرف هستند. با مقایسه کاسه‌های سفالی با نوع فلزی آن در کاراکالی می‌توان دریافت که نمونه‌های سفالی تقلیدی از کاسه‌های فلزی هستند (تصویر ۱۰) (-Çokay & Kepçe & Recke, 2007: 83, 84).

در تراکیه نیز، کاسه‌های لبه‌برگشته یکی از فراوان‌ترین اشیای گنجینه‌های تراکیه است. این نوع کاسه‌ها رایج‌ترین نوع ظروف در نقوش آپادانای تخت جمشید هستند که در استان ۸ گروه از ۲۳ هیئت نمایندگی وجود دارد. یکی از گنجینه‌های قابل توجه در این منطقه، گنجینه روگوزن (Rogozen) با کاسه‌های عمیق ساده و نقره‌ای متعدد است (تصویر ۲۰). ارتباطات زیادی از نظر گونه‌شناسی میان اشیای فلزی تراکیه با ظروف هخامنشی وجود دارد. به طور کلی در کاسه‌ها و پیاله‌های گنجینه روگوزن، تزئینات معمول در کاسه‌های هخامنشی (شامل تزئینات خیاره‌ای، بادامی‌شکل و نقش گل نیلوفر) به وضوح مشاهده می‌شوند (Zournatzi, 2000: 685, 686; Curtis, 2005: 46).

۲-۵-۵. **بین‌النهرین:** در سال ۱۸۸۲ میلادی، هرمزد رسام در منطقه باستانی سیپار در بابل گنجینه‌ای کشف کرد. یکی از اشیای گنجینه، قطعه‌ای نقره‌ای متعلق به یک کاسه بود؛ این قطعه، نمونه رایج دوره هخامنشی بوده و دارای تزئیناتی به صورت برجسته به همراه نقوش حکاکی شده گیاهی می‌باشد؛ هم‌چنین کاسه مچاله شده نقره‌ای دیگری دقیقاً مشابه با تزئینات کاسه قبلی نیز به دست آمد (Reade, 1986: 79 - 81).

۲-۵-۶. **مصر:** چهار کاسه نقره‌ای کتیبه‌دار از تل مسخوته (Tell el- Maskhuta) در مصر به دست آمده (تصویر ۲۱) که طبق نشانه‌های خط‌شناسی مربوط به دوره پارسی بوده است. کتیبه‌ها نشان می‌دهد این کاسه‌ها وقف الهه هان-ایلات (Han-

llat) شده‌اند. علاوه بر موارد فوق، کاسه‌های بدون کتیبه‌ای نیز از تل مسخوته گزارش شده که از نظر گونه‌شناسی با هنر هخامنشی ارتباط دارند. علیرغم اینکه به نظر می‌رسد کاسه‌های تل مسخوته به جهت نقش و طرح بومی مصر بوده، اما شبیه به کاسه‌های بسیاری از دوره هخامنشی است که توسط هیئت‌های خراج‌گزار (هدیه‌آور) در نقوش پلکان‌های آپادانا در زمان داریوش حمل می‌شود و دلالت بر پراکندگی آن در شاهنشاهی دارد (Dumbrell, 1971: 33-38).

۲-۵-۷. **شرق و شمال شرق شاهنشاهی هخامنشی** (شامل آسیای میانه، افغانستان، کرمان، سیستان و پاکستان و هند): با توجه به نقوش برجسته اقوام هدیه‌آور تخت جمشید که در آن هیئت‌های نمایندگی منتسب به زرنگی‌ها و رخجی‌ها، بلخی‌ها، پارتی‌ها و آریایی‌ها (هراتی‌ها) کاسه و پیاله‌های ارزشمندی را به عنوان هدیه و یا خراج به شاهنشاهی هخامنشی تقدیم می‌کنند (کخ، ۱۳۸۷: ۱۱۷ تا ۱۳۰)، به خوبی می‌توان استدلال کرد که این مناطق از نظر تولید این نوع ظروف بسیار فعال بوده‌اند. از تپه تخت قباد در منطقه بلخ، گنجینه‌ای موسوم به جیحون به دست آمده است که از میان اشیای فلزی آن، کاسه‌های طلایی و نقره‌ای در شکل کلاسیک هخامنشی و نقوش گل‌های لوتوس را می‌توان شناسایی کرد (Curtis, 2004: 334). به عنوان مثال می‌توان به سه کاسه و پیاله طلایی این مجموعه اشاره کرد که به ترتیب کاسه‌ای کم‌عمق با تزئینات نافه مرکزی، شیر بالدار و قبه‌های بادامی شکل، کاسه ساده کم‌عمق و کاسه طلایی نیمه‌کروی ساده هستند (Simpson, 2005: 113) (تصویر ۲۲).

۲-۵-۸. **ایران**: از مشخص‌ترین پیاله‌های این دوره می‌توان به چهار پیاله نقره‌ای منسوب به اردشیر اول، اشاره کرد. این پیاله‌های کم‌عمق دارای شکل و تزئیناتی مشابه هستند. لبه آن‌ها ساده و متمایل به خارج است. در مرکز سطح بیرونی ظرف، تورفتگی گردی ایجاد شده، پیرامون آن چهارده برگ گل لوتوس برجسته و در بین هر جفت از این برگ‌ها نیز چهارده برگ دیده می‌شود. در امتداد و سراسر لبه درونی این ظرف نیز کتیبه‌ای حک شده است^۱ (تصویر ۱۲) (Gunter & Root, 1998: 3). این پیاله‌ها با انواع به دست آمده از شرق ترکیه، ارزنجان و نمونه‌ای که احتمالاً از دلتای رود نیل در مصر کشف شده، قابل‌قیاس است. (Curtis & Cowell, 1995: 151).

نمونه بعدی پیاله‌ای مجلل (احتمالاً متعلق به قرن ۴ ق.م) است که در استان مازندران شناسایی شد (تصویر ۲۳). با توجه به کمبود مدارک باستان‌شناختی در ارتباط با دوره هخامنشی در مازندران، این پیاله بسیار حائز اهمیت است و به دلیل

فاصله بین این منطقه از مرکز قدرت سیاسی هخامنشیان، به نظر می‌رسد نمونه چنین اشیای قیمتی به صورت محلی تولید می‌شده است. تکنیک ساخت پیاله به شکل چکش کاری ورقه فلزی بوده، سپس قبه‌هایی را به صورت برجسته ایجاد و در نهایت گلبرگ‌های کشیده و باریک ساده را با تکنیک قلمزنی و کنده کاری ایجاد می‌کردند. پیاله هخامنشی دیگری که در مجموعه جکس نگه‌داری می‌شود نیز احتمالاً از مازندران کشف شده است (Simpson, 1998: 32). با انجام آزمایش XRF بر روی این دو کاسه، درصد نقره استفاده شده برای هر دو پیاله در حدود ۹۷ تا ۹۸٪ تعیین شد که با نقره زمان هخامنشی کاملاً تطابق دارد. به علاوه شکل و تزئینات این کاسه‌ها حاکی از آن است که به احتمال زیاد در قرون پنجم و چهارم ق.م ساخته شده‌اند (Simpson & Cowell, 2010: 436 – 438).

«بی شک خزانه تخت جمشید یکی از غنی‌ترین مکان‌ها به لحاظ تولید ظروف ارزشمند فلزی بوده اما به دلیل تاراج و یغما، چیزی از آن ظروف باقی نمانده است» (Schmidt, 1957: 94). در سال ۱۹۰۱ م. باستان‌شناس فرانسوی جک دمورگان، قبری در آکروپولیس شوش کشف کرد. یکی از اشیای داخل آن کاسه نقره‌ای زورقی شکل با لبه برگشته بود (تصویر ۲۴) و بر مبنای دو سکه نقره‌ای داخل قبر^۱، گاهنگاری آن به اواخر دوره هخامنشی منسوب شد. تزئینات کاسه شامل گل روزت مرکزی و گلبرگ‌های گل نیلوفر در اطراف آن است. بخش داخلی کاسه نیز با نقش گل لوتوس و غنچه‌های گل پیرامون نافه کاسه تزئین شده است. شکل و تزئینات این کاسه، نمونه شاخص دوره هخامنشی به حساب می‌آید. به نظر می‌رسد شکل و تزئینات این نوع کاسه‌های هخامنشی متأثر از دوره آشور نو باشد (تصویر ۲۵) (Muscarella et al., 1992: 240; Razmjou, 2005: 174, 178).

۲-۶. مقایسه و تحلیل داده‌ها

با استناد به مدارک باستان‌شناسی، تصویر کاسه‌ها و پیاله‌های فلزی هخامنشی اغلب با نقوش شاهان، شاهزادگان و نجیب‌پارسی همراه است، از جمله نقاشی کاربوران از معبد المالی در لیکیه، مهرهای هخامنشی، نقوش برجسته اقوام هدیه‌آور (یا خراج‌گزار)، استل سقاره مصر و ... به نظر می‌رسد کاسه‌های فلزی در انحصار طبقه ثروتمند و کاسه‌های سفالی مربوط به طبقات فرودست و معمولی جامعه هخامنشی بوده است.

«شاخص‌ترین گونه کاسه در این دوره، کاسه‌های زورقی بوده و در سرتاسر شاهنشاهی رواج داشته است. در واقع کاسه زورقی که در دوره آشور نو و بابل نو

مورد استفاده بود، به عنوان بخش مشخصی از فرهنگ اشراف و دربار هخامنشی از قرن ۶ ق.م مورد استفاده قرار گرفت» (Allen, 2005: 91). نظریات بسیار متفاوتی در ارتباط با منشأ اقتباس تزئینات ظروف دوره هخامنشی وجود دارد که از این میان می‌توان به ماد، لرستان (ایلام نو) و آشور اشاره کرد. از طریق آشوری‌ها با تزئینات اشکی شکل در پیاله‌ها و کاسه‌ها آشنا هستیم (کخ، ۱۳۸۷: ۲۰۳)؛ هرچند این تزئینات در میان ظروف گنجینه کلماکره لرستان منسوب به اواخر قرن ۷ و اوایل قرن ۶ ق.م (Khosravi et al., 2010: 136; Treister, 2010: 47) و در جام مکشوفه از همدان (منتسب به مادها، قرون ۷-۶ ق.م) نیز به خوبی قابل مشاهده است (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۹۶). «نقوش مادی‌های هدیه آور(?) در پلکان‌های آپادانا، از معدود شواهد موجود در تولید ظروف فلزی از جمله کاسه‌ها و پیاله‌های ظریف در قلمرو مادها است. سبک همه این اشیای فلزی گرانبها، سبک خاص هخامنشی است که مادی‌ها به استادی در ساخت آن شهرت داشتند و تأثیرپذیری هخامنشیان از آن‌ها را به خوبی ثابت می‌کند» (کخ، ۱۳۸۷: ۱۱۵ تا ۱۱۷).

در این میان تأثیر کاسه‌های آشور بر هنر هخامنشیان قابل تأمل است. کاسه‌های کم‌عمق با خمیدگی در شانته و لبه برگشته مشابه با نمونه‌های برنزی آشوری است.^{۱۲} کاسه‌های عمیق‌تر شانته‌دار با لبه برگشته نیز دارای نمونه‌های مشابه بسیاری از دوره آشوری است از جمله کاسه نقش شده بر کاخ تیگلات پیلسر سوم (۷۴۵-۷۲۷ ق.م) در نینوا. این نوع کاسه‌های فلزی در دوره هخامنشی بسیار رایج می‌شود.

کاسه‌ها و پیاله‌های هخامنشی در سراسر قلمرو امپراتوری از شرق تا غرب گسترده بوده و در میان گنجینه‌های متعددی شناسایی شده‌اند. کاسه‌ها و پیاله‌های کوچک بسیاری با لبه متمایل به داخل و تزئینات بادامی شکل و گل‌های نیلوفر بزرگ در اطراف نافه، از مناطق مختلف آسیای صغیر، ایران و شبه جزیره بالکان به دست آمده‌اند.^{۱۳} یکی از نکات حائز اهمیت، عدم شناسایی کاسه‌های فلزی از نواحی شرقی و شمال شرقی شاهنشاهی هخامنشی (به غیر از گنجینه جیحون) می‌باشد، این در حالی است که کاسه‌های سفالی شاخص هخامنشی در گونه‌های زورقی، لاله‌ای، کاسه با لبه عمودی، کاسه با لبه گرد و تخت و غیره از مناطقی هم‌چون تپه یحیی (Magee, 2004)، آگرای هند (Magee et al., 2005)، آراخوزیای افغانستان (Vogelsang, 1985)، دره سوات (Stacul, 1969; 1993; 1980) و چارسده (Petrie et al., 2008) در پاکستان به وفور یافت

شده‌اند. شاید این نکته بیانگر وضعیت اقتصادی-اجتماعی مردمان ساتراپی‌های شرق شاهنشاهی باشد. احتمالاً ساتراپی باکتریا (بلخ) مرکز کارگاه فلزکاری دوره هخامنشی در شرق و شمال شرق شاهنشاهی بوده‌است. وجود معادن طلا در باختر (بلخ) در اثبات این فرضیه می‌تواند قابل اهمیت باشد. از سوی دیگر نیز داریوش در کتیبه خود در شوش اشاره می‌کند که طلا را از باختر و سارد آوردند و در تزئینات کاخ شوش به کار گرفتند (کالیکان، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

۳. نتیجه‌گیری

در میان داده‌های باستان‌شناسی از دوره هخامنشی، کاسه‌های فلزی اطلاعات ارزشمندی در زمینه فلزکاری، شیوه تزئینات، تکنیک ساخت، ارتباطات تجاری، اجتماعی، اقتصادی و هنری آن دوران ارائه می‌کند. این کاسه‌ها بدون دسته بوده و نمونه کم عمق آن‌ها موسوم به پیاله است. کاسه‌ها و پیاله‌های هخامنشی را می‌توان طبق مدارک دیگری مانند نقوش برجسته، استل‌ها، نقاشی‌های دیواری، مهرها و ریتون‌ها بازسازی کرد. کاسه‌های فلزی در مبادلات، مانند پول عمل می‌کرده و از سوی پادشاه به نشانه احترام به دوستان خود بخشیده می‌شد. حکام محلی نیز به نشانه وفاداری آن را به شاه هخامنشی پیشکش می‌کردند. کاسه‌ها و پیاله‌ها از جایگاهی ویژه در میز سلطنتی برخوردار بودند و داشتن آن‌ها نوعی اعتبار برای شاه ایجاد می‌کرد. در این دوره اشکال مختلفی از کاسه‌ها وجود داشت که شاخص‌ترین آنها، پیاله‌ها و کاسه‌های زورقی شکل بود و در سراسر شاهنشاهی هخامنشی از جمله آسیای صغیر، مصر، تراکیه، قفقاز و غیره نمونه‌هایی از آن به دست آمده‌است. تزئینات مورد علاقه هخامنشیان برای این کاسه‌ها، تزئینات بادامی شکل یا اشکی شکل به همراه آرایه‌های گیاهی، به ویژه گل نیلوفر و روزت بوده و گلبرگ‌های آن‌ها به صورت نواری نوک‌دار بوده‌است. برخی کاسه‌ها مانند نمونه‌های منتسب به داریوش اول، خشایارشا و اردشیر اول، دارای کتیبه‌های سلطنتی نیز بوده‌اند. کاسه‌های فلزی از منظر ریخت‌شناسی، نشانگر تأثیر اقوام دیگر به ویژه آشوریان می‌باشد، هرچند تولید کاسه‌های زورقی و تزئینات بادامی شکل، مختص صنعت‌گران هخامنشی بود که به منظور ایجاد نوعی وحدت و یکسان‌سازی هنری به تولید انبوه آن در سراسر کارگاه‌های شاهنشاهی اقدام شده‌بود. طبق شواهد، تا مدت‌ها پس از سقوط هخامنشیان هم‌چنان کاسه‌هایی به سبک آن‌ها (از نظر شکل و تزئین) در مناطق مختلف ساخته می‌شد.

یادداشت‌ها

^۱ مفرغ، نقره با روکش طلا

^۲ Batugara : کلمه باتو به معنای شراب و گارا به معنای ظرف نوشیدن است. (با استناد به کلمه باتوگارا که در پیاله‌های نقره‌ای منتسب به اردشیر اول به کار رفته است) (Gunter & Root, 1998: 23).

^۳ بابلی‌ها، سوری‌ها، کیلیکیه‌ای‌ها، لیدی‌ها و بلخی‌ها.

^۴ به عنوان مثال می‌توان به کاسه طلایی اشاره کرد که اردشیر دوم به فرمانده و اشراف‌زاده‌ای یونانی به نام دموس هدیه کرد (Gunter & Root, 1998: 23)

^۵ یکی کوزه‌هایی که توسط هیئت هندی حمل می‌شود و دیگری ظرفی نسبتاً استوانه‌ای و پهن با درپوشی مخروطی که حبشی‌ها در دست دارند.

^۶ این کاسه دارای کتیبه‌ای سه زبانه با عنوان "داریوش شاه بزرگ" است. هر چند سه شاه هخامنشی با این نام وجود داشته اما طبق سبک و ساختار کاسه، به احتمال بسیار متعلق به داریوش اول است؛ در هر صورت با توجه به ابهامات متعدد، قطعاً کاسه‌ای هخامنشی و پارسی است (Wilkinson, 1955: 221 – 224).

^۷ واقع در روسیه

^۸ در نزدیکی آنتالیا، ترکیه

^۹ در جنوب گرجستان

^{۱۰} کاسه‌های مشابه با پیاله‌های کتیبه‌دار اردشیر اول توسط لاسچی جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده- است (Luschey, 1939: 42).

^{۱۱} که در آرادوس (Aradus) سوریه ضرب شده‌اند (دارای تاریخی بین ۳۵۰ تا ۳۳۲ ق.م)

^{۱۲} از جمله پیاله برنزی مکشوفه از نیمروود مربوط به دوران سارگن دوم (۷۲۱-۷۰۵ ق.م)، کاسه برنزی زینجیرلی از دوران سلطنت اسارحادون (حدود ۶۷۰ ق.م) و نمونه‌های سفالی مشابه از نظر شکل و تزئینات از نیمروود و تل حلف سوریه (Hamilton, 1966: 1-4).

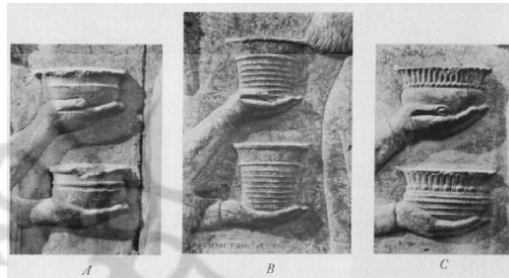
^{۱۳} برای آشنای با نمونه‌های بیشتر کاسه‌ها و پیاله‌های این دوره در مناطق مختلف به منبع زیر رجوع شود:

Treister, M. (2007). The Toreutics of Colchis in the 5th-4th Centuries BC Local Traditions, Outside Influences, Innovations. In *Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, southern Caucasus and Iran: New Discoveries*. Askold Ivantchik & Vakhtang Licheli eds. ACSS 13(1-2): 67-107. Leiden, Brill.

تصاویر



تصویر ۲: کاسه‌ها در آپادانای تخت جمشید
(A: ایونی‌ها، B و C: بلخی‌ها) (Schmidt, 1957: Plate 70)



تصویر ۱: استل سقاره با نقش نجیب‌زاده
(Mathieson & Bettles, 1995: 27)



تصویر ۵: نقش کاسه‌ها
برگلدان داریوش (Gunter & Root, 1998: 10)



تصویر ۴: کاسه هخامنشی
بر روی ریتون اربونی (Treister, 2012: 138)



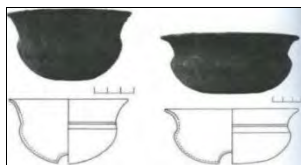
تصویر ۳: اشراف‌زاده پارسی،
معبد المالئ در لیکیه
(Boardman, 2000: 200)



تصویر ۷: کاسه داریوش با تزئینات اشکی-
شکل هخامنشی (Wilkinson, 1956:)



تصویر ۶: مهر هخامنشی
(Boardman, 2000: 160)



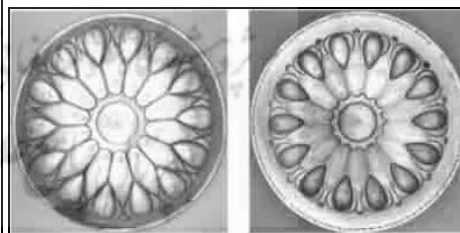
تصویر ۱۰: کاسه‌های
پامفیلیا (Çokay-Kepçe
& Recke, 2007: 90)

تصویر ۹: کاسه برنزی سلخا
(Treister, 2010: 232)

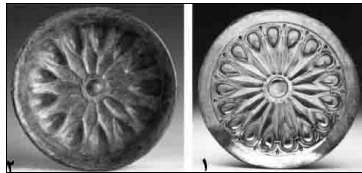
تصویر ۸: کاسه
خشایارشا (Simpson,)
(2005: 112)



تصویر ۱۲: پیاله اردشیر از زوایای مختلف
(Gunter & Root, 1998: 2)



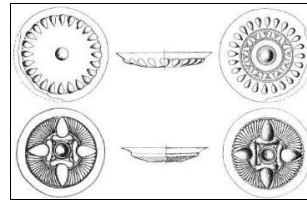
تصویر ۱۱: پیاله‌های پوروخوروکای روسیه
(Treister, 2009: 98)



تصویر ۱۵: نمونه پیاله‌های
نقره‌ای آخالگوری
(Knauss, 2006: 82)



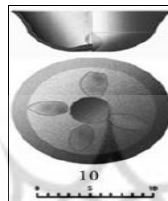
تصویر ۱۴: کاسه برنزی
زورقی قبر کاراباخ ایروان
(Razmjou, 2005: 180)



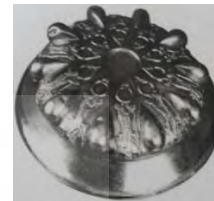
تصویر ۱۳: پیاله‌های ارزینجان و
دوهویوک (Treister,
2009:107)



تصویر ۱۸: پیاله نقره‌ای با
نقش شاه یا قهرمان پارسی
(Özgen, 2010: 312)



تصویر ۱۷: کاسه‌ای از
قبرستان آتسکوری
(Licheli, 2007: 60)



تصویر ۱۶: کاسه نقره‌ای گنجینه
کازبگی، گرجستان
(Boardman, 2000: 192)



تصویر ۲۱: کاسه کتیبه‌دار از
تل مسخوتة مصر
(Dumbrell, 1971: 35)



تصویر ۲۰: کاسه گنجینه روگوزن
(Zournatzi, 2000: 688)



تصویر ۱۹: پیاله ایکیز تپه
(Özgen, 2010: 313)



تصویر ۲۲: کاسه‌های طلایی گنجینه جیحون (Simpson, 2005: 113)



تصویر ۲۴: پیاله هخامنشی از آکروپول شوش
(Gunter & Root, 1998: 19)



تصویر ۲۳: پیاله نقره‌ای مازندران
(Simpson, 1998: 32)



تصویر ۲۵: بزم سلطنتی آشور بانی پال به همراه ملکه از کاخ نینوا (Alvarez-Mon, 2009: 166)

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. کالیکان، ویلیام. (۱۳۸۴). **باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها**. ترجمه گودرز اسعد بختیار. تهران: پازینه.
۲. کخ، هاید ماری. (۱۳۸۷). **از زبان داریوش**. ترجمه پرویز رجبی. چاپ سیزدهم. تهران: کارنگ.
۳. گانتز، آن. سی و جت، پل. (۱۳۸۳). **فلزکاری ایران در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی**. ترجمه شهرام حیدر آبادیان. تهران: گنجینه هنر.
۴. گرشوویچ، ایلیا. (۱۳۸۷). **تاریخ ایران دوره هخامنشیان**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
۵. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۱). **هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی**. ترجمه عیسی بهنام، تهران: علمی فرهنگی.

۶. یداللهی، سیما. (۱۳۷۶). **شناخت و تحلیل مقایسه ای زیور آلات فلزی عصر آهن ایران، ۱۵۰۰ - ۵۵۰ ق.م.** پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

ب. منابع لاتین

7. Allen, L. (2005). **The Persian Empire: A History.** London: British Museum.
 8. Boardman, J. (2000). **Persia and the West: An Archaeological Investigation of the Genesis of Achaemenid Persian Art.** New York: Thames and Hudson.
 9. Curtis, J. (2004). **The Oxus treasure in the British museum.** Brill NV, Leiden.
 10. Dusinberre, E. R. M. (2003). **Aspects of Empire in Achaemenid Sardis.** Cambridge: Cambridge University Press.
 11. Lushey, H. (1939). **Die Phiale. Bleicherode am Harz.** Verlag Carl Nieft.
 12. Moorey, P. R. S. (1974). **Ancient Persian Bronzes in the Adam Collection.** London: Faber and Faber.
 13. Pfrommer, M. (1987). **Studien zu alexandrinischer und grossgriechischer Toreutik fruhhellenistischer Zeit** (Archaeologische Forschungen 16), Berlin.
 14. Richter. M. A. and Milne, M. J. (1935). **Shapes and names of Athenian vases.** New York: The Metropolitan Museum of Art.
 15. Schmidt, E. (1957). **Persepolis II: Contents of the Treasury and Other Discoveries.** Chicago: University of Chicago Press.
- ب. مقاله ها**
16. Alvarez-Mon, J. (2009). «**Ashurbanipal's Feast: A View from Elam**». *Iranica Antiqua* 44, 131-180.
 17. Çokay-Kepçe, S. & Recke, M. (2007). **Achaemenid Bowls in Pamphylia.** In *Achaemenid impact on Local Populations and Cultures in Anatolia*, eds. I. Delemen & O. Casabonne, 83-96. Istanbul: Turkish institute of Archaeology.

18. Curtis, J. (2005). **The Archaeology of the Achaemenid Period**. In *Forgotten Empire: World of Ancient Persia*, ed. Curtis & Tallis. London: British Museum.
19. Curtis, J., Cowell, M. & Walker, C. (1995). «**A Silver Bowl of Artaxerxes I**». *Iran* 33, 149-153.
20. Dumbrell, J. (1971). «**The Tell el-Maskhuta Bowls & the Kingdom of Qedar in Persian Period**». *Bulletin of American Schools of Oriental Research* 203, 33-44.
21. Dussinberre, E. R. M. (1999). «**Satrapal Sardis: Achaemenid Bowls in an Achaemenid Capital**». *American Journal of Archaeology* 103 (1), 73-102.
22. Gunter, A., Root, M. (1998). «**Replacing, Inscribing, Giving: Ernst Herzfeld and Artaxerxes' Silver Phiale in the Freer Gallery of Art**». *Ars Orientalis* 27, 3-30.
23. Hamilton, W. (1966). «**A Silver Bowl in the Ashmolean Museum**». *Iraq* 28 (1), 1-17.
24. Khosravi, L., Mousavi Kouhpar, M., Neyestani, J. & Hojabri Nobari, A. (2010). «**Unknown rulers of Neo- Elamite in Loristan during 1st millennium B. C**». *Journal of Humanities*, Vol. 17 (2), 39-54.
25. Knauss, F. (2006). «**Ancient Persia & the Caucasus**». *Iranica Antiqua* 41, 79-118.
26. Laing, E. J. (1995). «**Recent Finds of Western-Related Glassware, Textile & Metalwork in Central Asia & China, AAs 49**». *Bulletin of the Asia Institute* 9, 1-18
27. Licheli, V. (2007). **Oriental Innovations in Samtskhe** (Southern Georgia) in the 1st Millenium BC. In *Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, southern Caucasus & Iran*. eds. Ivantchik & Licheli, ACSS 13: 55-66, Leiden.
28. Magee, P. (2004). **Excavations at Tepe Yahya, Iran 1967 – 1975: The Iron Age Settlement**. American School of Prehistoric Research

Bulletin 46, Peabody Museum of Archaeology & Ethnology, Harvard University.

29. Magee, P., Petrie, C. A., Knox, R., Khan, F & Thomas, K. (2005). «**The Achaemenid Empire in South Asia & Recent Excavations in Akra in Northwest Pakistan**». American journal of Archeology 109 (4), 711-741.

30. Mathieson, I., Bettles, E., Davies, S. & Smith, H. (1995). «**A Stela of the Persian Period from Saqqara**». The Journal of Egyptian Archaeology 81, 23-41.

31. Miller, M. (2008). «"Manners Makyth Man": Diacritical Drinking in Achaemenid Anatolia».

32. Muscarella, O., Caubet, A. & Tallon, F. (1992). **Susa in the Achaemenid Period. In Royal City of Susa.** eds. P. Harper, J. Aruz & F. Tallon. New York: Metropolitan Museum of Art.

33. Nylander, C. (1968). «**Assyria Grammata: Remarks on the 21st Letter of Themistokles**». Opuscula Atheniensia 8, 119-36.

34. Özgen, I. (2010). **Lydian Treasure.** In The Lydians and Their World, ed. N. D. Cahill, 305-338. Istanbul: Yapı Kredi Yayınları.

35. Petrie, C., Magee, P. & Nasim Khan, M. (2008). «**Emulation at the Edge of Empire: The Adoption of Non-local Vessel Forms in the NWFP, Pakistan during the Mid-Late 1st Millennium BC**». Gandaharan Studies 2, 1-16.

36. Razmjou, Sh. (2005). **Religion and Burial Customs.** A chapter in Forgotten Empire, eds. J. Curtis & N. Tallis, 150- 181. London: British museum Press.

37. Reade, J. (1986). «**A Hoard of Silver Currency from Achaemenid Babylon**». Iran 24, 79-89.

38. Simpson, St, J., Cowell, M. R. & S. La Niece. (2010). **Achaemenid Silver T. L. Jaks and the Mazanderan Connection.** In The World of Achaemenid Persia, eds. J. Curtis & St J. Simpson, 429-442. London: I. B. Tauris & Co Ltd.

39. Simpson, St, J. (2005). **The Royal Table. In Forgotten Empire: The World of Achaemenid Persia**, eds. J.Curtis & N.Tallis, 104-111. London: British Museum.
40. _____. (1998). «**Late Achaemenid silver bowl from Mazanderan**». British Museum Magazine, issue 32.
41. Stacul, G. (1993). «**Kalako-deray, Swat: 1989-1991 Excavation report**». East & West 43, 69-94.
42. _____.(1980). «**Bir-kot-ghundai (Swat, Pakistan): 1978 Excavation Report**». East & West 30, 55-65.
43. _____. (1969).«**Excavation near Ghālīgai (1968) and Chronological Sequence of Protohistorical Cultures in the Swāt Valley**». East and West 19, 44-91.
44. Treister, M. (2012). **The Treasure of Silver Rhyta From Erebuni**. In Рабаджиев К., Шалганова Т., Ганева-Маразова В., Стойчев Р., (ред.), Изкуство и идеология. Сборник в чест на Иван Маразов. София: 117-146.
45. _____. (2010). **Achaemenid & Achaemenid Inspired Goldware & Silverware Jewellery & Arms & their Imitation to the North of Achaemenid Empire**. In Achaemenid Impacts in the Black Sea, eds. Nieling & Rehm, 223-279. Denmark.
46. _____. (2009). «**Silver Phialai from the Prokhorovka Burial-mound No. 1**». Ancient Civilizations from Scythia to Siberia 15 (1), 95-135.
47. _____. (2007). **The Toreutics of Colchis in the 5th-4th Centuries BC**. In Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, southern Caucasus and Iran. eds. A. Ivantchik & V. Licheli, ACSS 13 (1-2): 67-107. Leiden, Brill.
48. Vogelsang, W. (1985). «**Early historical Arachosia in South-east Afghanistan. Meeting-place between East & West**». Iranica Antiqua 20, 55-99.

مجله مطالعات ایرانی / ۱۲۵

49. Wilkinson, Ch. K. (1955). «**Assyrian and Persian Art**». The Metropolitan Museum of Art Bulletin 13 (7), 213-224.
50. Zournatzi, A. (2000). «**Inscribed Silver Vessels of Odryian Kings**». American Journal of Archaeology 104 (4), 683-706.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی